میزگرد «آرمان» با حضور دکتر ابراهیم رزاقی، دکتر علی دینی و دکتر وحید محمودی

آزادسازی قیمت‌ها ناگهانی نباشد

یوسف ناصری

اعطای یارانه نقدی ، یکی از وعده‌های دولت نهم (۱۳۸۸ـ۱۳۸۴) بوده است که در دولت دهم نیز پیگیری آن ادامه دارد. مطابق گفته معاونت پارلمانی رئیس جمهور، اولین پرداختی یارانه نقدی در سه ماه اول سال ۱۳۸۹ اتفاق خواهد افتاد. مقامات دولتی اعلام کرده‌اند که ماهیانه بین ۴۰ تا ۷۰ هزار تومان یارانه نقدی به هر نفر خواهند داد.

اما مجلس در قانون هدفمند شدن یارانه‌ها تصویب کرده که دولت در سال پایه رقمی در حد ۱۰ هزار میلیارد تومان و حداکثر ۲۰ هزار میلیارد تومان از محل افزایش و آزادسازی قیمت بنزین، آب، برق، گاز، نفت سفید و گازوئیل درآمد کسب کند و ۵۰ درصد از کل این درآمد سال پایه را به منظور جبران آثار تورمی افزایش قیمت ها به اقشار کم درآمد جامعه اعطا کند و بقیه درآمد حاصله نیز به بخش خصوصی و دولت تعلق گیرد.اما ابهامات زیادی در مورد یارانه نقدی و روش اعطای یارانه نقدی وجود دارد و به رغم همه تلاش هایی که شده هنوز این ابهامات برطرف نشده است. در میزگردی که روزنامه «آرمان» در خصوص شیوه اجرایی این قانون و آثار و تبعات احتمالی آن برگزار کرد، دکتر ابراهیم رزاقی، دکترعلی دینی و دکتر وحید محمودی حضور یافته و دیدگاه خود را در این خصوص ابرازداشتند. متن کامل این گفت‌وگو، تقدیم خوانندگان محترم روزنامه می‌شود.

عکس‌ها: آرمان- حجت سپهوند

■ بارها مسئولین اعلام کرده‌اند که با روش فعلی توزیع یارانه، حدود ۷۰ درصد از کل رقم یارانه‌ها را ۳دهک درآمدی ثروتمند و بالای جامعه دریافت می‌کنند. دولت اعلام کرده که با در پیش گرفتن روش اعطای یارانه نقدی، این روند به نفع کم درآمدها معکوس می‌شود و عدالت برقرار می‌شود. از طرفی می‌دانیم که آزادسازی و افزایش قیمت برق، آب، بنزین، گاز و گازوئیل باعث افزایش قیمت سایر اقلام و کالاها و خدمات می‌شود. با این حال چگونه می‌شود تبعات و پیامدهای منفی آزادسازی قیمت‌ها و تورم را کاهش داد تا اقشار و دهک‌های پایین وکم درآمد جامعه از حداقل‌های زندگی برخوردار شوند و آسیب نبینند و در مجموع جامعه هم به رفاه مطلوب خودش دست یابد؟

رزاقی: در ابتدای بحث می‌خواهم این نکته روشن شود که آیا اساسا بیشترین یارانه‌ها در مورد همین اقلامی داده می‌شود که نام آنها برده شد یا نه. به نظر من، بیشترین یارانه‌ای که دولت دارد می‌دهد، یارانه‌ای است که به نرخ دلار می‌دهد. ما اگر قیمت دلار را با نرخ تورمی که در ۱۰ سال اخیر در کشور داشته‌ایم حساب کنیم، الان قیمت هر دلار باید دست کم ۲۷۰۰ تومان یا ۳ هزار تومان باشد. ما اگر نفت و درآمدهای نفتی نداشتیم،شاید یک پنجم کل دلارهای فعلی یعنی سالیانه ۱۵ یا ۲۰ میلیارد دلار به دست می‌آوردیم. در این حالت قیمت هر دلار باید ۴ یا ۵ هزار تومان تعیین می‌شد. در حال حاضر، قیمت هر دلار، حدود هزار تومان است. با این حساب در وضع فعلی داریم ۴ هزار تومان روی هر دلار یارانه می‌دهیم. بر این اساس،طبق یک محاسبه دست کم ۱۷۰۰ تومان یارانه چیزی حدود ۴ هزار تومان یارانه می‌دهیم.

در سال گذشته هم ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه واردات کشور ما بوده است. با این محاسبه‌هایی که گفتم، دست کم حدود ۲۰۰ میلیارد دلار یا ۲۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه روی دلار داده‌ایم و برخی این یارانه‌ها را دریافت کرده‌اند. حال، سوال من این است که آیا این مقدار یارانه بیشتر است یا آن یارانه‌ای که بنزین، گاز و غیره داده می‌شود؟ من هم اعتقاد دارم که حذف یارانه‌ها، کار درستی است. باید یارانه‌ها حذف بشود و هر کسی قیمت کالاها و خدمات دریافتی را بپردازد تا معلوم شود هزینه‌اش منطقی است و تصمیم‌گیری‌اش درست است. اگر چنین یارانه هنگفتی در مورد دلار پرداخت نشود، ممکن است به تدریج فضای مساعدی در جامعه برای رونق گرفتن تولید به وجود بیاید و تولیدکنندگان ایرانی امیدوار شوند. رونق گرفتن تولید هم می‌تواند منجر به کاهش تورم و قیمت کالاها و خدمات شود. الان همه واردکنندگان با این یارانه که روی دلار دریافت می‌کنند در واقع با تولیدکنندگان ایرانی مبارزه می‌کنند و در این مبارزه همین تولیدکنندگان هستند که روشکسته می‌شوند یا کنار می‌کشند. به نظر اینم که‌ای است در حد بحث پارانه بیشتر مهم است.

محمودی: نکته‌ای که آقای دکتر رزاقی گفتند، نکته درستی است. یک سوال این است که ما بسرای چه می‌خواهیم یارانه‌ها را هدفمند کنیم و به عبارتی آزادسازی قیمت‌ها را انجام دهیم؟ همه ما می‌پذیریم که می‌خواهیم یک دوره انتقال از وضعیت «اقتصاد رانتی» به «اقتصاد بازار» داشته باشیم و اجازه بدهیم که منطق و سازوکار بازار با ترکیب خردمندانه‌ای از سهم دولت و بازار عمل کند. بر این اساس باید پذیریم که منطق اقتصادی و مبانی اقتصادی، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و نهایتا کارکردهای اقتصادی واقعیت عینی پیدا کند، منطق هزینه - فرصت عمل کند، عوامل تولید را به سمتی سوق دهیم که منافع لازم را هم در سطح بنگاه‌ها وهم در سطح ملی داشته باشیم و اتلاف منابع را به حداقل برسانیم.

به نظر می‌رسد که اجماع عمومی در این زمینه هست که ما از اتلاف منابع جلوگیری کنیم و به سمت تخصیص بهینه‌تری از منابع به پیش برویم. برای موفقیت در این راه در عرصه اقتصاد باید هم سیاست‌های قیمتی را تنظیم کنیم و به آنها توجه داشته باشیم و هم سیاست‌های غیر قیمتی را. اما به نظر می‌رسد که مبانی و تمرکز قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، بیشتر روی سیاست‌های قیمتی بوده است. اگر بخواهیم این بسته سیاستی در همه حوزه‌هاعملی شود در ابتدا باید حرکت ما روی یک دیدگاه واحدی باشد. به نظر من، مشکل اصلی که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها به وجود بیاید و قبلا هم این مشکل وجود داشته این است که در سیاستگذاری‌های کلان، یک دیدگاه واحدی حاکم نیست. الان هم که می‌خواهیم یارانه‌ها را هدفمند کنیم،اگر دیدگاه خود را روشن نکنیم، باز به مشکل بر می‌خوریم.

واقعیت‌اش این است که برای من روشن نیست که دیدگاه حاکم بر هدفمند کردن یارانه‌ها چه هست. سیاست‌های اصل ۴۴ هم یک مجموعه سیاست است و به هر صورت حداقل باید جهت گیری‌ها و استراتژی‌های ما، در همه حوزه‌ها روشن باشد.

در حال حاضر کسانی که برای هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران نظریه پردازی می‌کنند، باید آسیب شناسی لازم را انجام دهند و راهبردها نیز در آن جهت تنظیم شود. اما اگر واقعا می‌خواهند دیدگاه جدیدی را حاکم کنند، اول باید این دیدگاه را تعریف کنند و روشن بشود که این دیدگاه جدید چه مولفه‌هایی دارد. حتی وقتی موضوع عدالت در راهبردهای مختلف مطرح می‌شود، دیدگاه‌های مختلف این بحث را باید دید. روشن شدن این بحث‌ها تقدم دارد برایینکه وارد اصلاح سازو کارها شویم. اگر آن دیدگاه تعریف شد، همه الزامات را در نظر می‌گیریم و گرنه نمی‌شود صرفا قیمت‌ها را آزاد کنیم. گفته می‌شود که قیمت‌های نسبی می‌خواهند علامت بدهد. اما نکته مهم این است که قیمت‌های نسبی در یک ساخت و نظام شفاف اقتصاد آزاد است که علامت می‌دهد.

به هر حال، در یک اقتصاد آزاد است که بخش خصوصی وجود دارد و دولت هم کار خودش را انجام می‌دهد و هر کسی در جای خودش قرار گرفته است. بنابراین در سازوکاری که بازار تصمیم گیرنده تعیین‌کننده است، در واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی هم باید براساس همین منطق عمل کنیم. دیگر ما نمی‌توانیم بگوییم قیمت‌های نسبی علامت بدهد،ولی همزمان واگذاری‌هایی انجام دهیم که در عمل یک دور است. با این کار، خصوصی‌سازی واقعی اتفاق نمی‌افتد، بخش خصوصی شکل نمی‌گیرد و توانمندسازی بخش خصوصی هم تحقق پیدا نمی‌کند. به همین دلیل ما نیازمند یک بازنگری در سیاست‌ها هستیم و همگونی‌ها و هماهنگی‌های لازم در همه حوزه‌ها دیده بشود تا ما بتوانیم حرکت لازم را انجام دهیم. از این جهت ضرورت دارد که شفافیت‌ها صورت بگیرد. بالاخره یک مشکل که ما داریم این است که مفاهیم را به خوبی تعریف نمی‌کنیم و در نتیجه به مشکل بر می‌خوریم. در همین چارچوب باید گفت که واژه عدالت هم هنوز تعریف نشده است و مشخص نیست در چه سازوکاری می‌خواهیم به عدالت دست پیدا کنیم. در حال حاضر این ابهامات وجود دارد.

این بحث‌ها بر قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مقدم بود. اما حالا که هدفمند کردن یارانه‌ها به قانون تبدیل شده و باید اجرا شود، ما باید بتوانیم به گروه‌های هدف که گروه‌های پایین درآمدی هستند، توجه بیشتری داشته باشیم. این سیاست‌ها نیز نتیجه‌اش باید کمک کردن به ارتقا و توانمند کردن گروه‌های پایین درآمدی باشد و نه بالعکس آن.

دینی: هدفمند کردن یارانه‌ها به قانون تبدیل شده است ولی بحث‌هایی هست که باید مطرح بشود. چرا که امکان تجدید نظر در این قانون وجود دارد. به نظر می‌رسد مسائل و مشکلاتی که در مورد شناسایی گروه‌های درآمدی بروز کرده، احتمال تجدید نظر را در این قانون افزایش داده است. من اعتقاد دارم بر بحثی که تحت عنوان تعدیل قیمت کالاها و خدمات فرآورده‌های انرژی بر اساس قیمت‌های سایه‌ای‌شان مطرح می‌شود، ایراد اساسی وارد است. البته این به این معنا نیست که قیمت‌ها اصلاح نشود. اما به این صورتی که در قانون هدفمند شدن یارانه‌ها آمده، منطق‌اش قابل نقد است. در این قانون گفته شده که قیمت بنزین و گازوئیل و برق حدود با سطح قیمت‌های فوب (عمده فروشی) منطقه خلیج‌فارس برسد. انتقاد من به این بخش از قانون هدفمند شدن یارانه‌ها این است که لحاظ کردن قیمت‌های سایه منطقه‌ای برای آن چیزی که در داخل کشور تولید می‌شود،زمانی توجیه دارد که بشود همه آنچه را که در داخل مصرف می‌شود را صادر کرد و در واقع حالت کالای مبادله را پیدا کند. اما برقی که در اینجا مصرف می‌کنیم، به فرض اینکه مصرف نکنیم و در عین حال امکان صادراتش هم وجود نداشته باشد، این دیگر هزینه فرصت‌اش آب چیزی نیست که برخی محاسبه می‌کنند و قیمت فوب خلیج فارس را ضربدر قیمت مصرفش می‌کنند.

■ برخی مسئولین اعلام می‌کنند که کل رقم یارانه‌ها در وضع فعلی، سالیانه در حد ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است. آقای دکتر دینی آیا با این نوع محاسبه و استدلالی که شما ارائه می‌کنید، رقم واقعی کل یارانه‌ها در عمل به آن ۱۰۰هزار میلیارد تومان در سال نمی‌رسد؟

دینی: بله، یارانه‌ها ۱۰۰ هزار میلیارد تومان نمی‌شود؛ چرا که در این زمینه برآورد بیش از اندازه داشته‌اند. ما می‌دانیم گازی که الان در مناطق شهری و یا گاز مایعی که در داخل کشور مصرف شود، به فرض اینکه در داخل مصرف نشود، نمی‌توانستیم به خارج از کشور صادر کنیم. برای اینکه همین الان ظرفیت تولیدی کشور، بیش از ظرفیت مصرفی است و هر چقدر هم سعی می‌کنیم که گاز صادر کنیم، مشکل وجود دارد. الان روزانه حدود ۲ میلیون بشکه مصرف نفت مصرف داخلی ما است. اگر مثلا مصرف داخلی نفت به حد صفر برسد، مگر ما می‌توانیم همین ۲ میلیون بشکه نفت را صادر کنیم. چون در چارچوب سازمان اوپک،سهمیه‌بندی برای صادرات نفت وجود دارد و اخیرا این سازمان تصمیم گرفت ۱۹۰ هزار بشکه نفت به خاطر کاهش قیمت نفت از سقف صادرات کشورهای عضو پایین بیاورد. بنابراین، به این صورت نیست که اگر مصرف داخلی را کاهش مصرف دهیم، بتوانیم به راحتی مقدار صرفه جویی شده را صادر کنیم و به آن اندازه درآمد ارزی داشته باشیم. به همین دلیل نمی‌شود هزینه فرصت از دست رفته‌ای را تصور کنیم و آن را مبنای محاسبه قیمت فرآورده‌های انرژی در داخل کشور قرار دهیم. اما حالا که قانون هدفمند شدن یارانه‌ها باید اجرایی شود، می‌توان قیمت گذاری را بر مبنای قیمت تمام شده داخلی انجام داد. منطق اقتصادی این موضوع را می‌پذیرد که تا این حد افزایش دهند و به این صورت قیمت‌ها اصلاح شود. این منطق اقتصادی، تفاوت اساسی دارد با آن چیزی که در ما دیدیم که در چند ماهه اخیر، سیستم در شناسایی فقرا و اقشار کم درآمد دچار برخی مشکل شده است.

تجربه همه جای جهان هم نشان می‌دهد که شناسایی اقشار کم درآمد، کار آسانی نیست و در این راه خطاهایی رخ می‌دهد که کارآیی سیستم را پایین می‌آورد. اگر هم بخواهیم به همه اقشار نیازمند یارانه بدهیم مقدار کمتری باید به افراد بدهیم و لذا احتمال اینکه آثار منفی وارد شده حل و فصل می‌شود، نظر من است اما این پارادایم خصوصا در اقتصاد ما اعتبار ندارد.

بحث اتلاف منابع در کشور، لزوما ناشی از این نیست که قیمت کالاها و خدمات به این شکل است. به نظرم این نوع اتلاف منابع، عمدتا ناشی از سوء مدیریت در پروژه‌های سرمایه گذاری و ساختارهای سازمانی بسیار ضعیف و نظام اداری بسیار فشل است.

من اعتقاد دارم که اتلاف منابعی که ناشی از مدیریت بسیار ضعیف پروژه‌های سرمایه گذاری در اقتصاد ایران است،اثرش بسیار قوی‌تر از پایین و بالا بردن قیمت فرآورده‌ها است. بنابراین اگر ما قیمت‌های فرآورده‌های انرژی را دستکاری کنیم بدون اینکه بخواهیم عوامل غیر قیمتی (ساختارهای سازمانی ضعیف) را اصلاح کنیم، قطعا این سیاست راه به جایی نمی‌برد. پارسال خبرگزاری فارس گزارشی در مورد پروژه‌های ناتمام عمرانی داد و اعلام کرد که ۹ هزار پروژه در سطح ملی و استانی ناتمام مانده است.

علی دینی

به نظرم اتلاف منابع، عمدتا ناشی از سوء مدیریت در پروژه‌های سرمایه‌گذاری و ساختارهای سازمانی بسیار ضعیف و نظام اداری بسیار فشل است

من اعتقاد دارم که اتلاف منابعی که ناشی از مدیریت بسیار ضعیف پروژه‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران است،اثرش بسیار قوی‌تر از پایین و بالا بردن قیمت فرآورده‌ها است

این پروژه‌های ناتمام در تـورم و رکود نقش منفی بازی می‌کنند و باعث کاهش رشد اقتصادی کشور می‌شوند. در واقع پولی کـه تا الان به این پروژه‌ها تزریق شـده طرف تقاضـا در اقتصاد را تحریک کرده و اثر تورمی خودش را حتمـا به جا می‌گذارد و در مقابل طرف عرضه اقتصاد هم دسـت نخورده و کالا و خدماتی تولید نمی‌شود.

بحث انباشت سرمایه هم مهم است. آقای دکتر رزاقی هم گفتند که تولیدکنندگان باید جان بگیرند. من معتقدم با اتکای صرف به سیاست‌های قیمتی و ازاسدازی قیمت‌ها امکان تحقق حمایت از تولیدکنندگان وجود ندارد.

برای اینکه سیاست قیمت، یک بار تورمی دارد که اتفاقا تولیدکنندگان دچار مشکل می‌شوند. اما وقتی این سیاست با رویکرد شوک درمانی یا انفجار درمانی اجرا شود و قیمت‌ها رها بشود، صاحبان دارایی‌ها می‌توانند قیمت کالاها و خدمات تولیدی خودشان را متناسب با این بار تورمی و متناسب با اصلاح قیمت‌ها تغییر بدهند و اشخاصی که می‌توانند این کار را انجام بدهند همان کسانی هستند که فاقد دارایی هستند. حالا اگر سیستم تعهیه شده بـا وجود تورم دولت ۱۰ درصد به حقوق کارمندان اضافه کرد. چرا این شکاف افزایش پیدا کرده و افزایش حقوق، متناسب با میزان تورم نیست. چطور در لایحه‌ای که دولت بـرای هدفمند کـردن یارانه‌ها به مجلس داد، خواسـتار تثبیت حقوق و دستمزد شده بود. هم همگنان که الان مـا تورم داریم و با آزادسـازی قیمت‌ها، تورم اضافی هم خواهیم داشـت. اما بر چه اسـاس خواستار تثبیت حقوق و دستمزد شده‌اند. آزادسازی قیمت‌ها ممکن است باعث جهش قیمت شـود. اگر جهش‌های قیمتی‌ای که نمی‌شود آنهـا را کنترل کرد، اتفاق بیفتـد تورم خیلی بالاتر می‌رود. البته مجلس در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مجوز تثبیت حقوق و دسـتمزدها را نداد. اما چون این ایده در ذهنش هسـت شاید دولت به‌اندازه کافی سطح حقوق و دستمزد را بالا نبرد.

وقتی ما داریـم در مورد یک فضای اقتصادی صحبت می‌کنیم که عادلانه باشـد اولین سوال این است که حقوق و دسـتمزد کارمندان و کارگران چقدر باشد و حالا چقدر می‌گیرند. الان دیه یک نفر حدود ۵۰ میلیون تومان اسـت. اگر ایـن مبلغ را در بانک بگذارند چیـزی حدود ۶۰۰ یا ۷۰۰ هزار تومان سود بانکی دریافت می‌کنند. اما در مقابل باید دیـد که اکثر کارمندان و کارگران از چقدر مزد در ماه دریافت می‌کنند. الان به نیروی انسانی، مبلغی در حد ۳۰۰ هزار تومان دستمزد می‌دهند. اگر آدام اسمیتی صحبت کنیم باید بگوییم که ما هزینه تمام شده این کالا را نمی‌خواهیم بدهیم. این وضع نشـان می‌دهد که ما از امتداد ابتدا، دچار یک نابسامانی در قیمت گذاری کالاها هستیم.

در ایـن شـرایط نمی‌توان به این نیـروی کار گفت که درسـت است که یک سوم به تو مزد می‌دهیم ولی برو در بـازار که همه چیزش بر اسـاس عرضه و تقاضا و قیمت تمام شده اسـت، خرید کن. به اعتقاد من، باید تشکل‌های من، تورم سر منشـاء پرداخت یارانه بدهد. در نتیجه بایـد جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیریم. افزایش قیمت‌ها در حد معقول ۲تا ۵ درصد قابل دفاع است.

نکتـه دیگر در همین رابطه این اسـت که دولت اعلام کرده می‌خواهد عدالت را برقرار کند. سـوال این است که به چـه شـکلی دولت می‌خواهد در این راستا اجرایی شـود. اگر بـا یارانه هدفمند کردن یارانه‌ها عدالت را برقرار کند. همین پارسال بـا وجود تورم دولت ۱۰ درصد به حقوق کارمندان اضافه کرد. چرا این شکاف افزایش پیدا کرده و افزایش حقوق، متناسب با میزان تورم نیست. چطور در لایحه‌ای که دولت بـرای هدفمند کـردن یارانه‌ها به مجلس داد، خواسـتار تثبیت حقوق و دستمزد شده بود. هم همگنان که الان مـا تورم داریم و با آزادسـازی قیمت‌ها، تورم اضافی هم خواهیم داشـت. اما بر چه اسـاس خواستار تثبیت حقوق و دسـتمزد شده‌اند. آزادسازی قیمت‌ها ممکن است باعث جهش قیمت شـود. اگر جهش‌های قیمتی‌ای که نمی‌شود آنهـا را کنترل کرد، اتفاق بیفتـد تورم خیلی بالاتر می‌رود. البته مجلس در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مجوز تثبیت حقوق و دسـتمزدها را نداد. اما چون این ایده در ذهنش هسـت شاید دولت به‌اندازه کافی سطح حقوق و دستمزد را بالا نبرد.

وقتی ما داریـم در مورد یک فضای اقتصادی صحبت می‌کنیم که عادلانه باشـد اولین سوال این است که حقوق و دسـتمزد کارمندان و کارگران چقدر باشد و حالا چقدر می‌گیرند. الان دیه یک نفر حدود ۵۰ میلیون تومان اسـت. اگر ایـن مبلغ را در بانک بگذارند چیـزی حدود ۶۰۰ یا ۷۰۰ هزار تومان سود بانکی دریافت می‌کنند. اما در مقابل باید دیـد که اکثر کارمندان و کارگران از چقدر مزد در ماه دریافت می‌کنند. الان به نیروی انسانی، مبلغی در حد ۳۰۰ هزار تومان دستمزد می‌دهند. اگر آدام اسمیتی صحبت کنیم باید بگوییم که ما هزینه تمام شده این کالا را نمی‌خواهیم بدهیم. این وضع نشـان می‌دهد که ما از امتداد ابتدا، دچار یک نابسامانی در قیمت گذاری کالاها هستیم.

در ایـن شـرایط نمی‌توان به این نیـروی کار گفت که درسـت است که یک سوم به تو مزد می‌دهیم ولی برو در بـازار که همه چیزش بر اسـاس عرضه و تقاضا و قیمت تمام شده اسـت، خرید کن. به اعتقاد من، باید تشکل‌های من، تورم سر منشـاء پرداخت یارانه بدهد. در نتیجه بایـد جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیریم. افزایش قیمت‌ها در حد معقول ۲تا ۵ درصد قابل دفاع است.

نکتـه دیگر در همین رابطه این اسـت که دولت اعلام کرده می‌خواهد عدالت را برقرار کند. سـوال این است که به چـه شـکلی دولت می‌خواهد در این راستا اجرایی شـود. اگر با یارانه هدفمند کردن یارانه‌ها عدالت را برقرار کند. همین پارسال بـا وجود تورم دولت ۱۰ درصد به حقوق کارمندان اضافه کرد. چرا این شکاف افزایش پیدا کرده و افزایش حقوق، متناسب با میزان تورم نیست. چطور در لایحه‌ای که دولت بـرای هدفمند کـردن یارانه‌ها به مجلس داد، خواسـتار تثبیت حقوق و دسـت